[22] را مسئول اعمال خود معرفی می کردند. یکی از جلوه هاي برخورد این دو طرز تفکر هنگامی بود که بازماندگان کربلا را وارد کاخ ابن زیاد کردند، أو دیداری عمومی ترتیب داد ودستور داد سر امام حسین (علیه السلام) را در برابر أو گذارده، آنگاه زنان و کودکان آن حضرت را وارد کاخ نمودند. حضرت زینب درحالیکه کم ارزشترین لباسهای خود را به تن داشت وزنان وکنیزان اطراف أو را گفته بودند بصورت ناشناسی وارد شد وبی اعتنا در گوشه أي نشست، ابن زیاد چشمش به أو افتاد وپرسید: این زن که خود را کنار کشیده ودیگر زنان گرداگرد أو هستند، کیست ؟ حضرت زینب پاسخی نگفت: ابن زیاد سؤالش را تکرار کرد، یکی از کنیزان آن حضرت را معرفی کرد، ابن زیاد رو به ایشان کرد وگفت: سپاس خدای را که شما را رسوا گردانید وکشت ودروغهایتان را آشکار ساخت. حضرت زینب پاسخ داد: سپاس خدای را که بواسطة پیامبرش ما را گرامی داشت واز پلیدی پاك گردانید، تنها فاسق رسوا شده وبدکاره دروغ می گوید، الحمد که ما اینگونه نیستیم ودیگران اینگونه می باشند. ابن زیاد گفت: دیدی خداوند با خاندانت چه کرد ؟ آن حضرت گفت: جز زیبائی ندیدم، آنان کسانی بودند که خدا مقدر ساخته بود کشته شوند وآنها هم مردانه به خوابگاه خود رفتند وبزودی خداوند تو وآنان را در روز قیامت روبرو می کند واز تو بدرگاه خدا شکایت ودادخواهی می کنند، اینك بنگر که آن روز چه کسی پیروز خواهد شد، مادرت به عزایت بنشیند أي پسر مرجانه. _____